

گوگل و مرخصی سلامت روان برای کارمندان

چند نفر از کارمندان فعلی و سابق گوگل ادعا می‌کنند بخش منابع انسانی این شرکت در واکنش به گزارش رفتارهای نژادپرستانه یا تبعیض‌گرایانه در محیط کار، به آنها توصیه می‌کند مشاوره یا مرخصی سلامت روانی دریافت کنند. طبق گزارش ان بی‌سی نیوز، این گروه از کارمندان برخوردهایی با همکارانشان فاش کرده‌اند که شامل اظهارنظرهای نژادپرستانه درباره رنگ پوست و مدل موی آنها یا آزار جنسی بوده است. هنگامی‌که آنها با بخش منابع انسانی گوگل تماس گرفتند، حتی در صورتی که شکایت آنها ارتباطی به نگرانی‌های سلامت روان نداشت، کارمندان بخش آنها را تشویق کردند مرخصی سلامت روانی دریافت کنند.

احتمالا بهشت جایی است که هر چه بخواهی می‌توانی برداری و پولش را آخر ماه از حقوقت کم کنند!

زنده باد زندگی کارمندی

اولین مواجهه من با زندگی کارمندی زمانی بود که پنج سالم بود و از نیشابور به تهران آمدم و یک‌راست رفتم خانه خواهرم که ازدواج کرده و مقیم تهران شده‌بود. قبل از آن هم به خانه خواهرم رفته‌بودیم اما من متوجه زندگی خوب کارمندی نشده‌بودم. این بار اما فرق داشت و خواهرم روزی من و مادرمان را برد فروشگاه تعاونی مصرف اداره شوهرش. راستش را بخواهید تا قبل از آن چنین فروشگاه بزرگی ندیده‌بودم که از شیرمرغ تا جان آدمیزاد در آن یافت شود. قبل از آن هر چه دیده بودم، بقالی‌های کوچک نیشابور بود که خوراکی‌های مشخصی می‌فروختند. آن فروشگاه بزرگ همه چیزدار یک مزیت بی‌نظیر دیگر هم داشت، هر چی دوست داشتی از قفسه‌ها برمی‌داشتی و پولش را آخر ماه از حقوق شوهرخواهرت کم می‌کردند! خوب یادم است برای اولین بار در همین فروشگاه بود که ماکارونی شکلی دیدم که خواهرم به آنها می‌گفت گوش ماهی. بزرگ بود و خواهرم روز بعد برای ناهار پخت و هنوز هم بعد از سال‌ها مزه و طعمش یادم مانده. از همان روز و همان فروشگاه بود که کارمندی برابم شد یک آرزو و یک زندگی ایده‌آل. البته



طاهره آشیانی
روزنامه‌نگاری که
طعم ماکارونی
شکلی کودکی
هنوز زیر زبانش
است

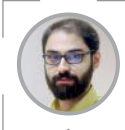
که در کار خرید و فروش خانه و زمین بودند و به آنها می‌گفتند بنگاهدار و مادر من البته به شدت از این شغل بنگاهداری بدش می‌آمد و همه‌شان را «حروم‌خور» می‌دانست.

من بزرگ شدم و سبک زندگی‌ها تغییر کرد و ایران عوض شد و دیگر سکه کارمندان عیاری نداشت و همسایه‌ها و دوست و آشنا و فامیل ترجیح می‌دادند دختر به مردی شوهر بدهند که شغل آزاد دارد نه کارمندی که هشتش در

آیاسبک زندگی کارمندها در همه جای دنیا به یک شکل است؟

جغرافیای کارمندی

هر وقت صحبت از تغییر محله و خانه‌مان می‌شود، می‌ترسم و از بحث فرار می‌کنم. سال‌هاست به کوچه پس کوچه‌های محله‌مان عادت کرده‌ام و هیچ رختخوابی جز رختخواب خودم نمی‌تواند مرا در رویای شبانه و خوابی آرام فرو ببرد. جزئی‌ترین تعویض در اتاق خواب و تخت، آسایشم را به هم می‌ریزد. یک بار که ماشین لباسشویی بالش نازنینم را نابود کرد، حدود سه ماه بخوابیدم تا به بالش جدید کمی عادت کنم. حتی نمی‌توانم در تخت خودم جابه‌جا بخوابم و تنوعی به حالت خوابیدن بدهم. هر چقدر خوب، هر چقدر بد، من به صدای نخرانیده و انتی محله و موتور قراضه همسایه خو گرفته‌ام و وقتی به یک مهمانی کوچک یا مسافرت کوتاه می‌روم، دلم برایشان تنگ می‌شود. دوست دارم زودتر برگردم و تا ابد همانجا بمانم. کسی هم از محله بهتر و خانه زیباتر برابرم نگوید تا راحت زندگی‌ام را بکنم. فکر این‌که چقدر طول می‌کشد تا به خانه و محله جدید عادت کنم و با ساکنانش آشنا شوم، مرا می‌ترساند. دوستی داشتم که کارمند پتروشیمی بود. حومه اصفهان کار می‌کرد و بعد از ۱۵ سال به او پیشنهاد کار بهتری دادند. خوشحال از پیشرفت به همه ما شیرینی داد و به قول خودش قرار بود زندگی‌اش یک تکتانی بخورد. بعد از مدتی که او را دیدم خیلی سرحال و قیراق در جنب و جوش بود. از شغل جدیدش که پرسیدم، با ذوق تعریف کرد که با اصرار و نامه‌نگاری توانسته شغل قدیمی‌اش را پس بگیرد و از درِدرس جدید راحت شده است. قید حقوق بالاتر را هم زده بود و برگشته بود پیش همکاران قدیمی و دوستان چند ساله‌اش. آنقدر خوشحال بود که اگر به مناسبت بازگشت به شغل قبلی باز شیرینی می‌داد. تعجب نمی‌کردم. کارمند بودن و غرق شدن در فضای تکراری و همیشگی‌اش، گاهی از اعتیاد هم خطرناک‌تر می‌شود. گاهی اوقات در ادارات کارمندانی هستند که ۱۰ سالی می‌شود بازنشسته شده‌اند اما با اصرار از بازنشستگی فرار می‌کنند و نشستن روی یک میز کوچک و زل زدن به مانیتور را به استراحت، سفر و خوشگذرانی ترجیح می‌دهند. البته که فرهنگ کارمندی در هر جای دنیا تفاوت‌هایی دارد.



علی گنجی
دانشجوی
دندانپزشکی که
زندگی دور از خانه
در اسلواکی، برایش
سخت‌تر از درس
است

آلمان و نظم ماشینی

برای آلمان‌ها مشخص بودن وظایف و قرارگیری در جای دقیق بسیار مورد اهمیت است. برخلاف فرهنگ کارمندی در چین، عناوین نقش مهمی در فرهنگ کاری و زندگی کارمندی در آلمان دارند. یک نظم ماشینی و عمیق که به راحتی برقرار نمی‌شود و در برابر سخت‌ترین بحران‌ها هم مقاومت می‌کند و ساختار را محفوظ نگه می‌دارد. غیر آلمانی‌ها معمولا آلمانی‌ها را به رعایت سلسله‌مراتب می‌شناسند؛ گرچه سلسله‌مراتب در کشوری نظیر ایتالیا هم اهمیت دارد اما آلمان‌ها به شکل دیگری به آن نگاه می‌کنند. آلمانی‌ها تاکیدی ویژه بر عناوین و رسمی بودن آنها دارند و حیطة وظایف را با چهارچوبی کاملا دقیق مشخص می‌کنند. یک عنوان برای کارمند و انواع و اقسام سلسله‌مراتب در آلمان نشان‌دهنده تخصص است، چیزی که برای ژرمن‌ها بسیار بارزاش است. در اغلب موارد تخصص کارمند در آلمان با موقعیت او در اداره و جایگاهش در سلسله‌مراتب مطابقت دارد و قدرت یک کارمند از موقعیتش ناشی می‌شود. مدیران و کارمندانی که با شرکت‌های آلمانی و فرهنگ کارمندی



آن درگیر بوده‌اند اغلب یک اشتباه مرتکب شده‌اند. آنها در مواجهه با کارمندان آلمانی دریافته‌اند که اقتدار و جایگاه‌شان به رسمیت شناخته نمی‌شود زیرا نتوانسته‌اند آن را با تخصص خود به اثبات برسانند؛ در حالی‌که در ایتالیا رسیدن به جایگاه مشخص معمولا با دستیابی به قدرت و اقتدار همراه است.

هارمونی و کنترل آمریکایی



سطح بالا، صحبت می‌کنند و نظرشان را در مورد راه‌حل بیان می‌کنند. صحبت نکردن در چنین جلساتی در آمریکا نشانه بی‌تفاوتی است و بازخورد منفی برای فرد خواهد داشت. صحبت حتی اگر در مخالفت شدید با رئیس باشد، شجاعت شما را نشان می‌دهد و به تصمیم‌گیری کمک می‌کند. در آسیا چنین نیست. جلسات برای تصمیم‌گیری تشکیل نمی‌شود و در بسیاری موارد، کارمندانی که در جلسه شرکت دارند از قبل با موضوع جلسه و تصمیمات آشنا شده‌اند و بحثی در جلسه شکل نمی‌گیرد. برعکس آمریکا، در جلسات چینی هیچ کارمندی به مقام بالاتر خود معترض نمی‌شود و توافق‌نداشتن با افراد مسن در جلسه نامناسب تلقی می‌شود. کارمندان در چین برای هماهنگی بیشتر جلسه تشکیل می‌دهند و مهم‌ترین هدف‌شان از ارتباط همین است.

کارمندی در ایالات متحده فرهنگ متفاوتی به نسبت چین و کشورهای اروپایی را می‌طلبد. آمریکایی‌ها در سلسله‌مراتب کاری به اعتراضات سطوح پایین اهمیت می‌دهند و آن را نشانه بی‌ادبی تلقی نمی‌کنند. در ایالات متحده تاکید بر کنترل و تسلط است در حالی که چینی‌ها بیشتر نگران حفظ تعادل هستند و سعی دارند از هماهنگی کلی سیستم کاری اطمینان حاصل کنند. می‌توان به جلسات کارمندان در شرکت‌های آمریکایی و چینی اشاره کرد تا نوع نگاه آنها به کارمند و تفاوت فرهنگ کارمندی را مشاهده کرد.

در آمریکا جلسات برای تصمیم‌گیری تشکیل می‌شود؛ مثلا مشکلی وجود دارد و در جلسه بین کارمندان همه استدلال‌های مربوط روی میز گذاشته می‌شود و همه کارکنان از جمله کارمندان رده پایین تا رؤسای

فرهنگ کارمندی یا بی فرهنگی در کار کردن

در واقع در نتیجه تنوع فرهنگی، نوعی فرهنگ متعادل یا بی فرهنگی در زندگی کارمندی سوئیسی‌ها حکمفرماست. سوئیسی‌ها قائل به تعادل هستند و قبل از هر حرکتی در محیط کاری، سوالات زیادی می‌پرسند تا از حفظ تعادل اطمینان حاصل کنند. این تعادل و بی‌طرفی باعث شده تا سوئیسی‌ها بهترین بانکداران جهان باشند. برای یک کارمند سوئیسی کار کردن در کشورهای دیگر شبیه کابوس است زیرا مناسبات فرهنگی را نامناسب و آزاردهنده می‌بینند.

